

آزادی اقتصادی و رقابت

"با این وضع به ۱۴۰۴ نمی‌رسیم"

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر موسی غنی‌نژاد، استاد دانشگاه صنعت نفت و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»



تعمیراتی: آقای دکتر! کشورمان از نظر فعالیت‌ها و شاخص‌های اقتصادی، جایگاه مناسبی در جهان ندارد، مهمترین دلایل این امر را در چه مسائلی ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه از نظر عملکرد در رتبه‌بندی جهانی، موقعیت مناسبی نداریم و اگر عواملی را که در این رده‌بندی‌ها دخیل‌اند در نظر بگیریم، می‌باید در جایگاه مناسب‌تری قرار داشته باشیم. یکی از این شاخص‌ها، نیروی انسانی فراوانی است که کشورمان از آن برخوردار است که از این منظر با جمعیتی (معادل ۲۴ میلیون) در رده ۲۲ جهانی قرار داریم. درصد بالایی از این جمعیت، تحصیل‌کرده هستند که نشان از متخصص بودن نیروی کار ایرانی دارد. غیر از این، کشور ما از منابع طبیعی مناسبی برخوردار است که البته این منابع، هم می‌توانند عامل پیشرفت باشند و هم می‌توانند عاملی برای عدم پیشرفت، متأسفانه علیرغم این پتانسیل‌ها و منابع عظیمی که در اختیار داریم، هیچ‌گاه در موقعیت مناسبی قرار نگرفته‌ایم. در توضیح این مسأله باید گفت که عملکرد ضعیف اقتصاد ایران، به دلیل ساختار اقتصادی کشور می‌باشد که در ۵۰ سال گذشته، درگیر یک اقتصاد دیوان‌سالار و دولتی شده است و سبب شده بخش خصوصی به حاشیه رانده شود. در این بین، علاوه بر سیاست‌های پولی و مالی غلطی که اتخاذ می‌شود، می‌باید بزرگی و حجم گسترده دولت را عامل اصلی این مقوله دانست. در تأیید این مسأله می‌توان به گزارش مؤسسه فریزر اشاره کرد که رشد دولت را در سال‌های پس از انقلاب بیش از ۹۰ درصد بیان کرده است.

تعمیراتی: یکی از مسائلی که به توسعه اقتصادی کمک می‌کند، بحث آزادی اقتصادی است که این روزها جایگاه مهمی در رده‌بندی‌های جهانی دارد. چه تحلیلی از این مقوله دارید؟

آزادی اقتصادی، یک مقوله کیفی است که اقتصاددانان سعی نمودند با تعریف یک سری از شاخص‌ها، آن را به صورت کمی مطرح کنند. منظور از این آزادی، آزادی انتخاب می‌باشد، یعنی انسان‌ها در فضای اقتصادی جامعه حق انتخاب داشته باشند که متأسفانه کشورمان در این رابطه در جایگاه ۸۰ از ۱۴۱ کشور جهان قرار

خودرو نیست و در تمام بازارهای کالا که دولت در نظام قیمت‌گذاری آن دخالت می‌کند، با این محدودیت روبه‌رو هستیم. شما بانک‌ها را در نظر بگیرید. با تعیین دستوری نرخ بهره برای سپرده‌گذاران و وام‌دهندگان - که مجبور هستند یک نرخ دستوری را پذیرفته، پرداخت و دریافت نمایند - با سلب آزادی و محدودیت که همان تعریف بازار غیر رقابتی است مواجه‌ایم. در این راستا لازم است تا با اصلاح ساختار اقتصادی کاهش دخالت دولت در تصمیم‌گیری‌های اقتصاد، به سمت بهبود جایگاه کشور در آزادی اقتصادی گام برداریم. کشورهای در حال توسعه‌ای که امروز به رشد مناسبی در اقتصادشان دست یافته‌اند همین اصلاحات را در آزادسازی اقتصاد در پیش گرفته‌اند.

تعمیراتی: اکثر اقتصاددانان جامعه معتقدند که خصوصی‌سازی‌هایی که در جامعه صورت می‌گیرد منطبق با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نمی‌باشد. ارزیابی شما از آن چیست؟

متأسفانه با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که بر کاهش حجم دولت و رشد بخش خصوصی تأکید می‌کند، شاهد هیچ پیشرفتی نبوده‌ایم. حقوق آزادی نسبت به قبل بدتر شده، دخالت دولت در بازار - اعم از بازار پول، کالا و نیروی کار - بیشتر شده و حتی بخش خصوصی را نیز دربرگرفته است. با توجه به ارقامی که سازمان خصوصی‌سازی منتشر می‌کند، می‌بینیم که در مقایسه با جهان از رشد بسیار بالایی برخوردار بوده‌ایم، اما اکثر این خصوصی‌سازی‌ها در رابطه با سهام عدالت بوده، یعنی بخش خصوصی وارد صحنه نشده و سهام شرکت‌ها بدون این که مدیریت آنها واگذار شود، خرید و فروش شده که البته آن هم به سازمان‌های وابسته شرکت‌های دولتی و یا شبه دولتی بوده است. خلاصه این که تنها در ظاهر امر تفاوت حاصل شده و متأسفانه در باطن هیچ تغییری مشاهده نمی‌شود.

تعمیراتی: به عنوان آخرین سؤال، با توجه به اهداف سند چشم‌انداز، آیا وضعیت کنونی کشور را زمینه‌ساز تحقق آن می‌دانید؟

خیر، متأسفانه وضعیت اقتصاد فعلی ما به گونه‌ای نیست که بتوان به اهداف مورد نظر دست یافت، چراکه مقدمات دستیابی به این اهداف هنوز محقق نشده است. با در نظر گرفتن جایگاه فعلی کشور که نشان‌دهنده رتبه‌های نامناسب کسب‌وکار، شاخص‌های نامعقول کلان، همچون تورم و بیکاری - که در رده ۴۵ از ۱۲۳ رده بالاترین نرخ بیکاری در جهان هستیم - و مقایسه با آن چیزی که مدنظر است، نمی‌توان به آینده خوش بین بود.

تعمیراتی: متشکریم.

تعمیراتی: آیا این آزادی که به آن اشاره داشتید، با فضای رقابتی در جامعه ارتباطی ندارد؟

دقیقاً همان فضای رقابتی است، چراکه اگر از آزادی انتخاب در اقتصاد صحبت می‌کنیم، منظور از آزادی انتخاب، آزادی برای مصرف‌کننده و تولیدکننده است که اجباری برای خرید و فروش کالای خاصی نداشته باشند و بر همین اساس است که اقتصاددانان در صحنه اقتصادی از مفهوم اقتصاد رقابتی - و آن هم به دلیل تبعات منفی فضای انحصاری - صحبت می‌کنند.

تعمیراتی: در زمینه اقتصاد کشورمان این آزادی را چگونه توصیف می‌کنید؟

متأسفانه در اقتصاد ما فضای رقابتی وجود ندارد و انحصارهای دولتی در اغلب مواقع در اقتصاد ایران حاکم بوده‌اند، به طوری که آزادی انتخاب از مصرف‌کننده سلب شده است. صنعت خودرویی کشور نمونه بارزی از این مسأله است، چراکه تنها چند تولیدکننده در بازار وجود دارند و مصرف‌کننده به دلیل حمایت‌های دولتی از قبیل موانع تجاری، تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای - که باعث شده کالای رقیب وارد بازار داخلی نشود - مجبور به مصرف آن شده است. در این بین تولیدکننده هم چون مطمئن است رقیبی برای او وجود ندارد، تلاشی نمی‌کند تا به افزایش کیفیت و یا کاهش قیمت کالای خود دست بزند و متأسفانه این وضعیت اسفناک از ۴۰ تا ۵۰ سال پیش در صنعت خودرویی ما وجود داشته است.

البته مثالی که عرض کردم فقط منحصر به بازار